



Examples of Conflict between Wife's Employment and Marital Duties and its Solution¹

Fatemeh shekari²

Azam foadiyan³

DOI:

10.30497/FLJ.2025.246811.2060



Abstract

Islam values the financial independence of women, and for this reason, it accepts the wife's employment if it does not conflict with the husband's rights; But, in some cases, there is a conflict between the wife's employment and the husband's rights which should be examined the solutions that jurisprudence provides to overcome this conflict. Therefore, in order to preserve the family center and strengthen its foundation, the author has decided to investigate the ways to overcome the conflict between the wife's employment and the husband's rights, by using a descriptive - analytical method and collecting library data. Women's employment is divided into mandatory, Mustahab, Makruh, and permissible, and the types of wife's duties are subservient to the matrimonial bed, the request for withdrawal, and the exclusiveness of enjoyment. In these cases, which is interpreted as conflict, the rational, religious and tradition-based rule for solving the conflict should be defined between the more important and the less important and the more important should be precedence over the less important. With this rule, the values such as family which is fundamental institution in Islam, would be preserved. Sometimes there is a situation where the wife cannot perform the two duties of employment and submission at the same time and has to sacrifice one. In these cases, she should sacrifice the important thing according to the type of wife's duty and type of employment; It means to perform a task that is more important and leave the other task. In this context, it is necessary to pay attention to the individual differences of women, such as the physical and mental capabilities of the wife, the family differences of women, such as the beliefs and convictions governing the husband's intellectual system regarding the type and duty of the wife, as well as the social differences of women, such as the level of efficiency and effectiveness of their jobs.

Keyword: Employment, wife, duties, conflict, come over.

1. Taken from the Level 4 dissertation titled Jurisprudential Principles of Threatening the Right of Spouses in Imamiyya Jurisprudence, Fatima Al-Zahra (PBUH) Specialized Seminary, Semnan, Semnan, Iran.

2. (Corresponding author) 4th level Student of Family Jurisprudence, Fatemeh Al-Zahra Specialized Theological School, Semnan, Semnan, Iran. f.shekari1356@gmail.com

3. Graduated from the 3rd level of Islamic Theology, Fatima Al-Zahra Specialized Theological School, Semnan, Semnan, Iran. aezamfoad@gmail.com

مصادیق تراحم اشتغال زوجه و تکالیف زوجیت و راه حل آن^۱

فاطمه شکری^۲*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

اعظم فوادیان^۳

DOI: 10.30497/FLJ.2025.246811.2060

چکیده

اسلام برای استقلال مالی زنان ارزش قائل شده است و به همین دلیل اشتغال زوجه را در صورتی که منافاتی با حقوق شوهر نداشته باشد، می‌پذیرد؛ اما در برخی موارد بین اشتغال زوجه و حقوق زوج تعارض به وجود می‌آید که باید راهکارهایی که فقه برای برون‌رفت از این تعارض بیان کرده است، بررسی شود؛ از این رو نگارنده برای حفظ کانون خانواده و تحکیم بنیان آن بر آن شده است تا به شیوه توصیفی و تحلیلی و روش کتابخانه‌ای به بررسی راهکارهایی برای برون‌رفت از تعارض اشتغال زوجه و حقوق زوج بپردازد. اشتغال زنان به واجب، مستحب، مکروه و مباح تقسیم می‌شود و انواع تکالیف زوجه در بستر زوجیت تمکین، استیذان خروج و انحصار استمتاع است که گاه بین گونه‌های اشتغال و تکالیف زوجه تراحم پیش می‌آید که قاعده عقلی و شرعی و نقلی برون‌رفت از تراحم میان اهم و مهم، این است که اهم، مقدم بر مهم شود. با همین قاعده، ارزش‌هایی مثل نهاد خانواده که در اسلام اهمیتی بنیادین دارد، حفظ می‌شود. گاه نیز موقعیتی پیش می‌آید که زوجه نمی‌تواند دو وظیفه اشتغال و تمکین خاص را هم‌زمان با هم انجام دهد و ناچار است یکی را فدا کند. در این موارد که از آن به تراحم تعبیر می‌شود، باید با توجه به نوع تکلیف زوجه و گونه اشتغال، مهم را فدای اهم کند؛ یعنی وظیفه‌ای را انجام دهد که اهمیت بیشتری دارد و وظیفه دیگر را ترک کند. در این زمینه لازم است به تفاوت‌های فردی بانوان، مثل توانمندی جسمی و روحی زوجه، تفاوت‌های خانوادگی زنان، مانند باورها و اعتقادات حاکم بر نظام فکری زوج درباره نوع و حکم تکلیفی زوجه و همچنین تفاوت‌های اجتماعی زنان همچون میزان کارآمدی و اثر بخشی شغل آن‌ها، توجه شود.

کلید واژه‌ها: اشتغال زوجه، تراحم تکالیف، تکالیف زوجه، حقوق زوج.

۱. برگرفته از رساله سطح ۴ با عنوان مبانی فقهی تهدید حق استمتاع زوجین در فقه امامیه، مدرسه علمیه تخصصی

فاطمه الزهرا^(س) سمنان، سمنان، ایران.

۲. (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته سطح ۴ فقه خانواده، مدرسه علمیه تخصصی فاطمه الزهرا^(س)، سمنان، سمنان،

f. shekari1356@gmail.com

ایران.

۳. دانش‌آموخته سطح ۳ کلام اسلامی، مدرسه علمیه تخصصی فاطمه الزهرا^(س)، سمنان، سمنان، ایران.

aezamfoad@gmail.com

مقدمه

یکی از مهم ترین ارکان جامعه خانواده است، چنان که از نظر رسول گرامی اسلام (ص) نیز هیچ بنیانی در اسلام، محبوب تر از ازدواج و تشکیل خانواده نیست؛ با وجود این، همواره مسائلی وجود دارد که این نهاد حساس و با اهمیت را با فرازونشیب هایی مواجه می سازد و گاه موجودیت آن را تهدید می کند. از طرفی، تغییر موقعیت اجتماعی زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حضور گسترده آنان در جایگاه بخشی از جمعیت فعال جامعه در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... یکی از مهم ترین مسائلی است که امروزه خانواده و اعضای آن را با مسائل پیچیده ای مواجه ساخته است؛ از طرف دیگر، توجه دین مبین اسلام به همه زوایای زندگی بشر و تأکید آموزه های دینی بر اهتمام مسلمانان به امور جامعه، مستلزم حضور زنان در صحنه جامعه است. در بعضی مواقع، اشتغال زن به فعالیت های اجتماعی با برخی از حقوق ناشی از زوجیت مانند حق استمتاع مرد و دیگر مسئولیت های زن مانند نظارت بر تربیت فرزندان و مواردی که احتمالاً در تحکیم روابط زوجین مؤثر است، در تعارض قرار می گیرد. به تبع عقد نکاح بین زوجین یک سری حقوق و تکالیف در ضمن عقد مورد توجه قرار می گیرد که با فعالیت های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زوجه در تزام قرار می گیرد. پژوهش حاضر درصدد است به رفع تزام این دو مسئله بپردازد.

پیشینه تحقیق

مقالاتی با عناوین مشابه با مقاله پیش رو انجام شده است که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

۱. مقاله «حق اشتغال زوجه و چگونگی تزام آن با حق تمکین زوج در متون تاریخی فقهی»، نوشته آقایان حمیدرضا ناظمی هرنندی و داود نصیران و سید محمد هادی مهدوی (۱۴۰۲ ش): در این مقاله مسئله اشتغال زن در اسناد بین المللی و قوانین داخلی و فقه، و ارتباط آن با حق تمکین مرد بررسی، و بیان شده است که در اسلام و قوانین موضوعه ازسویی استقلال مالی در کسب و کار زن پذیرفته شده، و ازسوی دیگر ریاست زوج بر خانواده و حق تمکین او محدودیتی برای زوجه در اشتغال ایجاد کرده است. اشتغال زن به ویژه اشتغال او در خارج از

خانه، مستلزم خروج زن از منزل است؛ درحالی که این مسئله ممکن است با تمکین او از شوهر و حفظ مصالح خانواده مغایرت پیدا کند.

۲. مقاله «شرط تعدیل تمکین زوجه شاغل از زوج در فقه امامیه» نگاشته آقای بهنام قنبرپور (۱۴۰۰)؛ در این مقاله به این مسئله پرداخته شده است که از آنجایی که تمکین به عنوان حقی از حقوق زوج در ذات عقد نکاح لحاظ نشده است؛ بنابراین زوجه شاغل با عنایت به شرایط شغلی خود می تواند مقدار تعهد خود را به تمکین در حین عقد به صورت شفاف مطرح کند و با استفاده از شرط ضمن عقد، انتظارات زوج را در این امر تعدیل کند.

۳. مقاله «چالش های انگاره مطلق بودن تمکین زوجه: موردکاوی تمکین زنان شاغل ازمنظر فقه امامیه»، نوشته مرضیه اسماعیلی فلاح و طوبی شاکری گلپایگانی و نهله غروی نایینی (۱۴۰۱)؛ این مقاله با بهره گیری از راهبرد موردکاوی، بازخوانی جدیدی از نصوص دینی با چشم اندازی زنانه دارد و ضمن عدم جمود بر قرائت های مرسوم، به بازشناسی زمینه ها و ظرفیت های موجود در منابع دینی می پردازد و بیان می کند که با توجه به امضایی بودن بسیاری از احکام خانواده و تأیید مبانی عقلایی توسط شارع، با تغییر سبک زندگی و حضور اجتماعی زنان، بنا به اصول اباحه، صحت و قواعدی مانند سلطنت، عدالت، حفظ نظام، معاشرت به معروف، لاضرر و لاجرح و...، امکان خروج متعارف و معقول زوجه از منزل وجود دارد و حدود اختیار زوج در امر تمکین و اذن خروج، محاط حقوق و تکالیف الهی و انسانی زن است.

وجه افتراق منابع مشابه با مقاله پیش رو در این است که در مقالات یادشده تنها به یکی از انواع تکالیف زوجیت اشاره، و راه حل آن در تراحم با اشتغال زوجه بیان شده است؛ اما در این نوشتار سعی شده است تا تمامی گونه های اشتغال و تألیف زوجیت و مصادیق آن بیان شود و همچنین راه حل تراحم هریک جداگانه بحث شود.

۱. بازشناسی گونه های برون رفت از تراحم

نخستین راهکار برون رفت از تراحم دو حکم، جمع آنهاست. هرگاه بتوان دو حکم را جمع کرد، تراحم حقیقی اتفاق نیفتاده است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۸۰). در صورت

عدم امکان جمع (جریان تزامم)، قاعده اصلی، عمل به تکلیف اهم است. دیگر راهکارها که از آن‌ها با عنوان مرجحات باب تزامم یاد می‌شود، هیچ‌یک محدودکننده این قاعده نیستند (علیدوست، ۱۳۸۸). بلکه به بیان جهات و منشأهای متفاوتی که کاشف از اهم هستند، می‌پردازند. اهل اصول، مرجحات گوناگونی را برای تشخیص اهم بیان کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: بدل نداشتن، فوریت داشتن (مضیق در مقایسه با موسع)، وقت مشخص داشتن، لحاظ نبودن قدرت شرعی در وجوب، تقدیم زمانی در وجوب، اهمیت و مصلحت بیشتر (حفظ نظام بر دیگر واجبات، حق الناس بر حق الله، حفظ نفس و فروج بر دیگر واجبات، اولویت بیشتر نزد شارع، تقدم واجب عینی بر کفایی، تقدم واجب بر احکام دیگر (مستحب، مکروه، مباح)، در تزامم دو مستحب، تقدم مستحبی که خیر و نفع بیشتری به دنبال دارد (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ص ۳۰۸-۳۴۷).

۲. بازشناسی گونه‌های حکم شرعی اشتغال زنان

مصادیق اشتغال زنان با عناوین فقهی، عقود مانند اجاره نفس و عمل، جعاله یا بیع مطرح می‌شود. حکم اولی عقود و مصادیق آن در اسلام اباحه است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۹۰). بنابر ادله شرعی، زن بالغ عاقل رشید می‌تواند مباشرتاً به این امور اقدام کند (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۴). از آنجاکه هیچ‌یک از فقها به حرمت اشتغال زنان حکم نداده‌اند، حکم شرعی اولی در اشتغال زنان اباحه به معنی اعم است؛ زیرا اباحه به معنی اعم به معنای جواز فعل بدون حرمت ترک آن است.

۲-۱. اشتغال واجب

دلیل شرعی مبنی بر وجوب اولی اشتغال برای زنان وجود ندارد. به طور کلی، وجوب شغل به عنوانی ثانوی یا از باب وجوب مقدمه واجب (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۲۶)، یا از باب وجوب ایفاء عقد (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۶) یا از باب وجوب حفظ نظام است (روحانی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۲۴)؛ از این رو مشاغل واجب زنان در سه دسته کلی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:

۲-۱-۱. واجب عقلی

کسب و کار (در صورت امکان انجام) برای کسی که مخارج خود و افراد واجب‌النفعه‌اش را ندارد،

به دلیل وجوب مقدمه برای ذی‌المقدمه واجب است (یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص ۴۹۵)؛ اما چون زنان متأهل، واجب‌النفقة همسر خود هستند، چنین وجوبی برای آنها مطرح نیست؛ بلکه در صورت اعسار یا ترک انفاق زوج در شرایطی که زن راه مشروع دیگری برای تأمین مخارج زندگی خود نداشته باشد، کسب و کار عقلاً واجب است؛ یعنی عقل به طور مستقل و بدون کمک گرفتن از شرع به وجوب آن حکم می‌کند (سبزواری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۱۴۶). اشتغال به معنای پیش‌گفته می‌تواند یکی از مصادیق این واجب عقلی باشد.

۲-۱-۲. واجب عقدی

زن عاقل و بالغ و رشید مباشرتاً اهلیت انعقاد قرارداد دارد؛ پس انعقاد انواع عقود صحیح برای زن مجاز است و زن می‌تواند در ضمن عقد شرط اشتغال را منعقد کند و از آنجاکه بنابر عمومات، وفای به عهد واجب است؛ این شکل از مشاغل تحت عنوان ثانوی عقد صحیح، واجب می‌شود؛ اما از آنجاکه اشتغال با شرایط پیش‌گفته، ممکن است منافی حق استمتاع زوج باشد، شغل واجب زنان متأهل براساس قرارداد شغلی و ارتباط آن با اذن زوج به چهار حالت است:

نخست، زنی که پیش از ازدواج شاغل بوده است و درقبال استمرار شغلش به دلیل واجب‌الوفا بودن شرط بنایی برای زوج (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۲۳، ص ۱۹۸) تعهد شرعی دارد (یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۱۰۶)؛

دوم، زنی که در ضمن عقد نکاح، اشتغال به کار را شرط کرده، و پیش یا پس از ازدواج، شاغل شده است و به دلیل واجب‌الوفا بودن شرط ضمن عقد در برابر آن تعهد شرعی دارد (حلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۳۰)؛

سوم، زنی که پس از ازدواج با رضایت همسرش تعهد شغلی بدهد. شرط ابتدایی الزام آور نیست و به دلیل لازم‌الوفاء نبودن (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص ۵۵)، وفای زوج به آن واجب نیست؛ اما برخی از فقها معتقدند چون قرارداد شغلی زن براساس اذن همسر صورت پذیرفته، عقد صحیح بوده، و انجام تعهد به این شغل نیز بر زن واجب است و مرد نمی‌تواند تا پایان قرارداد شغلی از اذن خود برگردد (نرم‌افزار گنجینه آرای فقهی - قضایی، سؤال ۵۷۶۰)؛

چهارم، گونه‌های دیگر اشتغال از منظر حکم تکلیفی (واجب کفایی، مکروه، مستحب، مباح)

نیز، که پس از این شرح داده خواهد شد، چنانچه طی قرارداد صحیحی منعقد شوند، با عنوان ثانوی، واجب شناخته می شوند (طباطبائی کربلائی، ۱۴۱۸ ق، ج ۸، ص ۱۸۱).

۳-۱-۲. واجب کفایی

صورت سوم موردی است که اشتغال به کار بانوان در برخی مشاغل مورد نیاز جامعه از جمله مشاغلی که به امور زنان اختصاص دارد (آن گونه که برخی از مراجع تقلید به آن فتوا داده اند) از مصادیق صناعات الواجبه و واجب کفایی شناخته شود (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۳).

۲-۲. اشتغال مستحب

دلیلی شرعی مبنی بر استحباب اشتغال زنان یا دست کم برخی از مصادیق آن وجود ندارد. به دلایل مختلف از جمله ضرورت حضور زنان در مشاغل مرتبط با نیازهای خاص آنان و سیره عقلی در واگذاری این امور به متخصصان هم جنس، احتمال وقوع ضرر و مفاسد در مراجعه به اجنبی و ضرورت عقلی دفع ضرر محتمل، تکفل این مشاغل توسط زنان، حسن عقلی دارد و براساس قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، اگر وجوب کفایی مطرح نباشد، استحباب شرعی پرداختن به این امور دور از ذهن نیست؛ اما دلیل شرعی یا فتوایی مبنی بر استحباب شغل یا نوع خاصی از آن، برای زنان موجود نیست. همچنین براساس عموم ادله، می توان اشتغال زنان را مانند اشتغال مردان در مواردی که به منظور انجام امور مستحب مانند رفع نیاز مؤمنین یا کسب درآمد برای مصرف در امور مستحب صورت می پذیرد، بنابر استحباب مقدمه مستحب در فرض ملازمه و جواز اخذ اجرت در شغل مستحب (خوئی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۶۷) مستحب دانست، مشروط بر اینکه طی قرارداد، واجب نشده باشد (طباطبائی کربلائی، ۱۴۱۸ ق، ج ۸، ص ۱۸۱).

۳-۲. اشتغال مکروه

دلیل شرعی که با دلالت مستقیم بتوان از آن کراهت اشتغال زنان را استنباط کرد، وجود ندارد؛ هرچند استنباط چنین حکمی از شمول عام احادیث متعدد، با عناوین «فضیله البیت علی المسجد للمرأة» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۷۴) و «تحصین فی البیوت» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۵۳۵) بعید نیست. صاحب عروه بر مبنای همین روایات، خانه نشینی زنان را جز در موارد ضرورت، مستحب دانسته است (یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۴۸۳). فقهای که بر عروه

حاشیه نوشته‌اند نیز تعلیقی در باب این حکم اضافه نکرده‌اند که بیانگر پذیرش حکم است. براین اساس و بنا بر قول به کراهت ترک مستحب، اشتغال زنان در مشاغل که به‌خوبی از عهده مردان برمی‌آید و ضرورت اجتماعی مبنی بر حضور بانوان در آن مشاغل احساس نمی‌شود و نیز ضرورت فردی مانند نیاز مالی هم وجود ندارد، محکوم به کراهت خواهد بود و این موارد هم به دلیل ضرورت از ذیل عنوان کراهت خارج می‌شوند و (مغیر عنوان اولی کراهت نیستند) و همچنین براساس عموم ادله حاکی از کراهت برخی مشاغل، مصادیق شغل مکروه برای زنان نیز کراهت دارد.

۴-۲. اشتغال مباح

دیگر مشاغلی که در عناوین سه‌گانه فوق نمی‌گنجند و فقط به قصد کسب درآمد صورت می‌پذیرند، مباح است (یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۴۸۳). منظور از قصد کسب درآمد این است که نیت تقرب در آن‌ها اخذ نشده است که ذیل عنوان شغل مستحب قرار گیرند؛ ازاین‌رو، انگیزه‌های هم سطح مانند سرگرمی، کسب جایگاه اجتماعی و... هم مشعر به اباحه بودن حکم تکلیفی این‌گونه مشاغل هستند. حکم تکلیفی اباحه، بیانگر تساوی دو طرف ترک یا فعل نزد شارع و عدم رجحان شرعی یک طرف بر طرف دیگر است و مکلف در فعل یا ترک آن منخیر است؛ اگرچه فرض ثبوت حکم کراهت اشتغال زنان از باب استحباب جلوس در خانه، به طرح کلی این صورت از حکم تکلیفی اشتغال زنان منجر خواهد شد؛ بدین معنا که اگر کراهت اشتغال زنان مطرح باشد، طرف ترک نزد مولا ارجح است و حکم تکلیفی اباحه مجال بروز نمی‌یابد.

۳. بازشناسی گونه‌های تکالیف زنان در بستر زوجیت

زوجیت که با عقد نکاح برقرار می‌شود از احکام وضعی است که حقوق و تکالیفی را برای هریک از زوجین ایجاد می‌کند. برخی از این حقوق و تکالیف، مقتضای ذات عقد، و برخی مقتضای اطلاق عقدند و برخی دیگر بدون ارتباط با عقد مدنظر شارع قرار گرفته‌اند. از آنجاکه فقها از منظر حکم وضعی ازدواج و حقوق و تکالیفی که تحت تأثیر عقد زوجیت برای زوجین موضوعیت می‌یابد، به این احکام نگریسته‌اند، برخی گونه‌های احکام تکلیفی در آرای فقهی از

نگاه آنان مغفول مانده است؛ از این رو مناسب است احکام تکلیفی الزامی و غیرالزامی که در بستر زوجیت متوجه زنان است، بازشناسی شوند.

۳-۱. تمکین خاص

تمکین در لغت به معنی قدرت دادن از طریق فراهم کردن امکانات (عسکری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۴۲) و در فقه به معنی در اختیار شوهر قرار دادن خود، جهت استمتاع و عدم ممانعت و محدود کردن آن به زمان یا مکان و کیفیت خاص، جز در مواردی است که مانع عقلی یا شرعی وجود دارد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۰۳). اصطلاح تمکین، موضوع ادله شرعی نیست و کاربرد آن ابداع فقهاست؛ اما ادله شرعی وجود دارد که وجوب تمکین را نزد فقها مسلم و مورد اجماع قرار داده است (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۰۳).

۳-۲. تمکین عام

تمکین عام، اصطلاحی حقوقی است که در فقه سابقه دیرینه‌ای ندارد و در ادله شرعی نیز موضوع حکم قرار نگرفته است؛ اما مفهوم آن به معنای اطاعت عام از زوج و قوامیت زوج است که از قرآن کریم (نساء/۳۴) اخذ شده است و در روایات نیز سابقه دارد (نک: حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۲۴۳-۱۱۲). اگرچه در بیشتر کتب فقهی، حدود اطاعت واجب و مستحب از زوج خلط شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۶، ص ۱۱۷)، اطاعت زن از شوهر در اموری که منافی استمتاع نیست، وجوبی ندارد (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۱۳۲) و ادله شرعی موجود مبتنی بر امر ارشادی است و حمل بر استحباب می‌شود (روحانی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۶۲).

۳-۳. استیذان خروج

عدم خروج از منزل تنها با اذن شوهر نیز از جمله تکالیف مبتنی بر زوجیت است که بسیاری از فقها با استناد به روایات متعدد (نک: کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۵۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۸، ص ۳۵۱) رأی به وجوب آن داده‌اند. درباره وجوب استیذان دو دیدگاه واجب فقهی وجود دارد: در دیدگاه نخست، استیذان از زوج برای خروج از منزل را مطلقاً واجب می‌داند (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۱۴۷)؛ اما در دیدگاه دوم، وجوب استیذان منحصر در حالت تنافی خروج از منزل با حق استمتاع زوج است (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۸۹). محدوده وجوب

استیذان در دیدگاه دوم قدر مشترک دو دیدگاه است.

۳-۴. انحصار استمتاع به زوج

از جمله تکالیف واجب بر مبنای زوجیت، انحصار حق استمتاع جنسی در همه سطوح آن به همسر است. در منابع فقهی به این تکلیف واجب اشاره‌ای نشده است که به نظر می‌رسد دلیل آن، بداهت مسئله باشد؛ اما در این باب، ادله شرعی مصرح به قدر کفایت وجود دارد که نیاز به ذکر را مرتفع می‌سازد.

۴. تبیین راهکارهای برون‌رفت از تراحم میان اشتغال و تکالیف زوجه

۴-۱. تراحم شغل واجب با احکام مبتنی بر زوجیت

۴-۱-۱. تمکین خاص

در مواردی که جمع بین شغل و تمکین وجود دارد، تراحم جریان ندارد. در فرض تراحم، امتثال یکی از دو حکم متراحم می‌تواند به ترک حکم دیگر، به‌طور کلی یا موقت، منجر شود (میرسلیم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۵۱۷)؛ بنابراین، تراحم بین شغل واجب و تکلیف تمکین را می‌توان به دو صورت کلی و موقت در نظر گرفت:

الف - تراحم کلی، به‌طوری که اصل شغل واجب با تمکین در تراحم است. این فرض زمانی ممکن است که شغل یا پیامدهای آن به سقوط کلی تمکین منجر شود که بسته به علت وجوب شغل، اهم در تراحم مشخص می‌شود:

- در موردی که زوجه به دلیل اعسار زوج و نداشتن نفقه مجبور به کار کردن است، اگرچه تکلیف تمکین باقی است (حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۳۷؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲)، به دلیل تقدم حفظ نفس بر دیگر واجبات، شغل واجب اهم است.
- در موردی نیز که زوجه به دلیل ترک انفاق که از مصادیق نشوز زوج است، مجبور به کار کردن است، اگرچه تکلیف تمکین باقی است، حق درخواست طلاق زوجه از امام محفوظ است. برخی عسرو حرج زن را که مصداق ضرار در آیه ۲۳۱ بقره است، دلیل حق درخواست طلاق زن عنوان کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۱، ص ۵۰۹؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۰، ص ۱۰۵). بدیهی است وقتی زوجه به دلیل عسرو حرج

می تواند درخواست طلاق دهد، به دلیل تقدم حفظ نفس بر دیگر واجبات نیز می تواند شغل واجب را بر تمکین مقدم کند. فتوای قاطبه فقهای معاصر مبنی بر عدم وجوب اطاعت از زوج در مواردی که زن مجبور است برای کسب نفقه خود کار کند، گویای همین تقدم است (اصولی، و بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۸۸).

- در موردی که شغل براساس وجوب ایفای به عقود واجب شده است (براساس دیدگاه صاحب عروه و معلقین) در تزامم کلی شغل با تمکین خاص، براساس رجحان سبقت زمانی، تکلیفی که زودتر واجب شده باشد، اهم شناخته می شود (یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۱۰۶)؛ بنابراین، اگر ازدواج قبل از شغل واقع شده، تمکین خاص تکلیف اهم است و اگر شغل زودتر واجب شده، مقدم است.

- در موردی که شغل وجوب کفایی دارد، براساس مرجحات واجب عینی بر واجب کفایی (ولایی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳)، تمکین بر شغلی که واجب کفایی است، مقدم است. ب - تزامم موقت، به طوری که امثال هیچ یک از دو تکلیف به طرح کلی تکلیف دیگر منجر نمی شود. این گونه از تزامم در زمان اختصاصی هریک از تکالیف، قابل برپایی است که ممکن است به چهار حالت اتفاق بیفتد:

حالت نخست: وقتی زوجه در ساعت اختصاصی شغل در مکان شغل حاضر است و با درخواست تمکین همسر مواجه می شود، در صورت امکان مرخصی، شغل واجبی بدل پذیر و موسع خواهد بود. تکلیف تمکین می تواند دارای قید فوریت شود که لزوم توجه به این فوریت در روایات تأکید شده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۵۰۷). در این فرض، بنابر مرجحات، تمکین خاص که واجبی فوری است در مقایسه با شغل که موسع است، اهم شناخته می شود؛ اما بدون امکان اخذ مرخصی، شغل واجب اهم است؛ زیرا در منابع فقهی، عدم منع شرعی و عقلی در وجوب تمکین خاص لحاظ شده است (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۰۳) و ترک شغل واجب، منعی شرعی محسوب می شود. همچنین در این فرض عقلاً امکان استمتاع وجود ندارد؛ از این رو تمکین، واجب نیست و تزامم ساقط می شود (موسوی عاملی، ۱۴۲۹ ق، ج ۷، ص ۹۴).

حتی در فرض عدم سقوط تمکین، در مقایسه طرفین این تراحم، تمکین، واجبی موسع و بدل‌پذیر است و شغل، واجبی مضیق و دارای وقت اختصاصی است که براساس مرجحات، واجب دارای وقت اختصاصی در وقت خود مقدم شناخته می‌شود.

حالت دوم: در فرضی که زن هنوز خانه را به قصد شغل ترک نکرده است و با درخواست تمکین مواجه می‌شود، تراحم میان واجب دارای وقت خاص (شغل) و واجب بدون وقت خاص (تمکین) برقرار است که براساس مرجحات، واجب دارای وقت خاص در وقت خودش مقدم و اهم است. سیدمحمدصادق روحانی در تشریح شقوق مختلف تراحم تمکین و تکلیف اجاره، تکلیف شغلی را در وقت مختص اجاره واجب، بر تمکین مقدم می‌داند؛ زیرا این زمان مختص شغل است و زوج حق استمتاع در این زمان را ندارد (۱۳۷۲، ج ۱۹، ص ۱۲۳). در اینجا زوج عالم‌اً حق خود را تحدید کرده است و به دلیل تلازم حق و تکلیف، تکلیف زن نیز به همین نسبت محدود می‌شود. این فرض نیز با در نظر گرفتن امکان و عدم امکان اخذ مرخصی شغلی قابل تفصیل است؛ بدین صورت که تکلیف شغلی بر فرض عدم امکان اخذ مرخصی مقدم می‌شود؛ زیرا حق مرد براساس رضایت خودش در زمان مختص شغل محدود شده است و تکلیفی متوجه زن نیست؛ اما در صورت امکان اخذ مرخصی، تراحم میان واجبی موسع و بدل‌پذیر (شغل) و واجبی فوری (تمکین) برقرار است که واجب فوری اهم است؛ بنابراین، در این فرض باید تمکین را بر شغل مقدم کرد.

حالت سوم: فرض دیگر، تراحم تمکین و تکلیف شغلی در زمان غیرمختص شغل است؛ مانند زمانی که زوج در منزل به سر می‌برد و مشغول انجام وظیفه شغلی است، تردیدی نیست که در صورت طلب استمتاع زوج در این زمان، تمکین، اولی و اهم است؛ زیرا صاحب جواهر، در این حالت از تراحم به ضرورت حق زوج تصریح کرده است: «در زمان طلب استمتاع از طرف مرد، برای زن آشپزی و مثل آن جایز نیست؛ چراکه مرد حق استمتاع بر زن دارد و شکی در بطلان آن نیست» (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۲۷، ص ۲۹۷).

۲-۱-۴. استیذان خروج

این فرض از تزامم در صورت عدم اذن زوج، میان دو واجب، به طوری که امتثال یکی به طور کلی یا موقت مانع از امتثال دیگری شود، برقرار می شود؛ زیرا در صورت اذن زوج، جمع دو تکلیف ممکن است.

الف - تزامم کلی: زمانی است که شغل واجب است؛ اما زوج به طور کلی با خروج زوجه از منزل مخالفت می کند. در موردی که زن به دلیل اعسار یا ترک انفاق همسر مجبور است کار کند، تزامم میان واجب عقلی (شغل) و واجب شرعی (استیذان) برقرار می شود که به دلیل ضرورت عقلی (روحانی، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۶۶) تقدم حفظ نفس بر دیگر واجبات شغل اهم است. اگر بنابه نظر علامه حلی، سقوط حق حبس زوجه توسط زوج مطرح باشد، تنها تکلیف شغلی باقی می ماند و تزاممی در میان نیست. درباره شغلی که براساس وجوب ایفای عقد واجب شده است، مشهور فقها اذن خروج را برای امر واجب لازم نمی دانند. همچنین صاحب عروه، اذن را در واجبات دارای وقت مشخص شرط نمی داند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۶۹؛ یزدی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۴۵۱). براین اساس اذن خروج به صورت کلی درباره مشاغل واجب که زمان مشخصی دارند، واجب نیست؛ چه اینکه اذن زوج در وجوب شغل مؤثر بوده، و زوج به اختیار خود حقش را در این زمینه تحدید کرده است؛ از این رو، زوج در این موارد حق شرعی مبنی بر ممانعت ندارد و تکلیفی نیز متوجه زوجه نیست و تزاممی واقع نمی شود. اطلاق ذی حق نبودن زوج در ممانعت زن از امتثال شغل واجب در فتاوی برخی فقها مؤید این مطلب است (خمينی، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۳۲۴، ج ۱۰، ص ۷۵۷).

ب - تزامم موقت: این تزامم در صورتی برقرار می شود که زوج در کل با خروج زوجه از منزل به قصد عزیمت به مکان شغل مخالف نیست؛ اما در مقطع زمانی خاصی اذن خروج نمی دهد. در این فرض، چنانچه امکان مرخصی گرفتن وجود داشته باشد، شغل واجب موسع شناخته می شود و براساس رأی به شرطیت اذن خروج در واجبات موسع تکلیف استیذان مستقر و اهم است؛ ولی اگر امکان مرخصی گرفتن وجود ندارد، اگرچه اذن زوج تزامم تکلیف

واجب نیست (یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۴۵۱) در واجب عقدی، زوج حق خود را ضمن رضایت تحدید می‌کند و در اینجا حق ندارد که ملازم تکلیف زوجه شود. همچنین درباره شغلی که وجوب کفایی دارد، استیذان زوج مقدم است؛ زیرا واجب عینی بر واجب کفایی تقدم دارد (ولایی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳).

۳-۱-۴. انحصار استمتاع به زوج

پس از تبیین بازشناسی گونه‌های مختلف تکالیف زنان، به رفع تراحم در این حالت پرداخته می‌شود. انحصار استمتاع به زوج نیز ممکن است به یکی از صور زیر با شغل واجب تراحم پیدا کند:

الف - امکان استمتاع غیر به اشکال مختلف آن از شروط ضمن قرارداد باشد. از آنجا که مخالفت نداشتن شروط قرارداد با احکام الهی از جمله شرایط نفوذ و اعتبار قرار داده است، هر نوع قرارداد شغلی که تعدی از حدود الهی در مفاد آن لحاظ شده باشد، شرعاً نامعتبر است (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص ۲۲)؛ بنابراین، در این فرض، تراحمی واقع نمی‌شود و تکلیف انحصار استمتاع به زوج باقی است.

ب - در برخی موارد، تعدی از حدود الهی در حیطة این تکلیف در ضمن قرارداد لحاظ نشده است؛ اما از عوارض و لوازم شغل است و برای هر مکلفی واقع می‌شود. صاحب عروه، اباحه منفعت را شرط صحت اجاره می‌داند و لزوم ارتکاب فعل حرام در اثنای اجاره را به دلیل حرمت منفعت، مبطل اجاره دانسته است (یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۱۱). همچنین مرحوم اصفهانی در تشریح مفاد قاعده فوق، تعذر شرعی عام را از عوامل ابطال شرعی قرارداد عنوان کرده است؛ زیرا علاوه بر جواز شرعی فعل در زمان اجاره، جواز شرعی در اثنای عمل را نیز شرط صحت اجاره می‌داند (غروی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۷). بنابراین، در این فرض نیز وجوب شغل ساقط می‌شود و تراحمی واقع نمی‌شود.

ج - در فرض سوم، تعدی از حدود الهی در حیطة تکلیف انحصار استمتاع به زوج نه از شروط عقد و نه از عوارض و لوازم قطعی آن است و ممکن است فقط برای مکلف خاصی

واقع شود. در این صورت، تعذر شرعی خاص به شمار می‌آید؛ یعنی شغل فی نفسه جایز است؛ اما درباره مکلف خاص، ارتکاب حرام مقدمه ایفای به عقد است. در چنین فرضی تزام ظاهری میان وجوب انحصار استمتاع به زوج و وجوب شغل برقرار است که به دلیل تقدم حفظ فروج بر دیگر واجبات و اولویت دفع مفسده تکلیف انحصار استمتاع به زوج مقدم است، اگرچه به لزوم جبران خسارت طرف قرارداد منجر شود.

۲-۴. تزام شغل مکروه با احکام مبتنی بر زوجیت

بنابر فرض کراهت اشتغال یا برخی از مصادیق آن برای بانوان، میان شغل مکروه و احکام الزامی (واجب) و غیرالزامی (مستحب) مبتنی بر زوجیت، تزامی برقرار نیست و در همه موارد، تکالیف مبتنی بر زوجیت اعم از واجب و مستحب به دلیل تقدمشان بر فعل مکروه (غروی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۷) اولی و اهم هستند.

۳-۴. تزام شغل مباح با احکام مبتنی بر زوجیت

بر فرض اباحه شغل نیز، میان شغل مباح و احکام الزامی و غیرالزامی مبتنی بر زوجیت در حقیقت تزامی برقرار نیست و همه تکالیف پیش گفته اولی هستند (غروی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۷).

۴-۴. تزام شغل مستحب با احکام مبتنی بر زوجیت

اجماع بر این است که مستحب نمی‌تواند در مقام تزام با واجب وارد شود؛ بنابراین، شغل مستحب در مقابل تکالیف واجب مبتنی بر جنسیت، در مقام تزام نیست و بدون تردید تکالیف واجب اعم از تمکین و استیذان خروج و عدم امکان استمتاع به غیر، مستقر هستند؛ زیرا مستحبی که ملازم با ترک واجبی شود، رجحان شرعی ندارد (سبحانی تبریزی، ۱۴۳۴، ج ۴، ص ۴۸۲). از آنجاکه تزام میان دو امر مستحب قابل وقوع است، شغل مستحب می‌تواند در فرض عدم امکان یا ناتوانی در جمع با تمکین عام و خانه‌داری و فرزندخواهی مزاحمت داشته باشد؛ اگرچه در صورت امکان جمع میان این تکالیف غیرالزامی با قبول مشاغل مستحب اجتماعی، اولی جمع است. این اولویت در میان پاسخ به استفتائات فقهای متأخر از جمله امام خمینی (ره) تصریح شده است (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص ۷۰۲). نکته دیگر اینکه جمع شغل مستحب با

تکالیف مستحب مبتنی بر زوجیت از جمع شغل واجب با تکالیف واجب مبتنی بر زوجیت آسان‌تر است؛ زیرا در همه تکالیف واجب، اعم از تمکین خاص و استیذان و عدم امکان استمتاع به غیر، وجوب نفسی این تکالیف مدنظر شارع است و امکان واگذاری به غیر وجود ندارد؛ اما در برخی تکالیف مستحبی که در مقام تراحم با شغل مستحب برآمده‌اند، مثل خانه‌داری، استحباب نفسی نیست و اگر بتوان خانه‌داری را از طریق واگذاری به غیر انجام داد، جمع آن با شغل مستحب میسر است. در صورت ناتوانی یا عدم امکان جمع، بنابر دیدگاه شیخ انصاری، مستحبی که خیر و نفع بیشتری به دنبال دارد، اولی است. شیخ، مرجع را در تشخیص خیر و نفع بیشتر دانسته است؛ اما تشخیص اهم را متناسب با حالات و اوضاع مکلف متغیر می‌داند. او برای مثال در تراحم علم‌آموزی با کار کردن، معتقد است گاهی علم‌آموزی برای کسی فایده زیادی ندارد و او می‌تواند با [درآمد حاصل از] کار کردن، صدقه بپردازد و از این طریق به خیر بیشتری دست پیدا کند؛ اما فرد دیگر می‌تواند با علم‌آموزی فنون علم دین را احیا کند، درحالی‌که با کار کردن به رزق اندکی دست می‌یابد و علم‌آموزی برای این شخص نفع معنوی بیشتری به دنبال دارد (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۷۴). براین اساس، چون تشخیص اولی به عهده مکلف است، ارزیابی صحیح از نفع معنوی نوع شغل و نوع تکلیف مبتنی بر زوجیت و شناخت تکلیف اهم شخصی، راهکار اصلی خروج از تراحم محتمل است. این دیدگاه در پاسخ به استفتاء برخی از فقها نیز دیده می‌شود (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص ۷۰۹). برای مثال، گاه شغل مستحب زن در مرتبه‌ای از تأثیر است که می‌تواند در پیشبرد اهداف اجتماعی دین مؤثر باشد یا به ساخت دارویی منجر شود که علاوه بر نجات جان بیماران در ارتقای اعتبار علمی کشور اسلامی در سطح دنیا نقش جدی داشته باشد؛ اما درعین حال با تمکین عام در تراحم باشد. این، بدین معنا است که زوج با شغل زوجه مخالفت جدی، که بیانگر عدم اذن خروج او باشد، ندارد؛ اما رضایت کامل هم ندارد و عدم اشتغال زوجه نزد او راجح است یا شغل زوجه با خانه‌داری که تکلیفی مستحب است، در تراحم است یا به تحدید فرزندآوری منجر می‌شود. در تمام این حالات، ضمن مدیریت صحیح امکان جمع نیز وجود دارد؛ اما در فرض تراحم، بنا به دیدگاه شیخ انصاری، اهم دانستن شغل مستحب بنا به نفع و خیر بیشتر

دور از ذهن نیست. همین تراحم در فرضی که شغل زن در عین استحباب، چنین جایگاهی را به لحاظ نفع اجتماعی ندارد و برای مثال با نیت اکتساب برای انفاق مستحب صورت می‌گیرد یا با نیت کمک به آسایش‌گاه سالمندان یا مثال‌های متعدد از این دست که در تراحم با تمکین عام و دیگر تکالیف غیرالزامی مبتنی بر زوجیت، نفع معنوی این تکالیف بیشتر است، تردیدی نیست که این تکالیف اهم و اولی هستند. این اهمیت درحالتی که شغل مستحب با چندین تکلیف مستحب مبتنی بر زوجیت تراحم پیدا کند، قوی‌تر هم می‌شود.

یافته‌های پژوهش

اشتغال که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فعالیت زنان و زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعداد ایشان و همواره موردعنایت و تأکید آموزه‌های اسلام است، گاه در تراحم با برخی از حقوق ناشی از زوجیت قرار می‌گیرد و نهاد خانواده را متزلزل می‌کند. این نوشتار جهت رفع موانع و تراحم، گونه‌های اشتغال و تکالیف زوجیت و راهکار برون‌رفت از تراحم هریک را به تفصیل بررسی کرده، و به این نتیجه رسیده است که: اگر میان تکالیف اهم و مهم، تراحم پیدا شد، از نظر شرعی و عقلی و نقلی، اهم مقدم بر مهم است. گاه نیز موقعیتی پیش می‌آید که شخص نمی‌تواند دو وظیفه را هم‌زمان با هم انجام دهد و ناچار است یکی را فدا کند. در این موارد که از آن به تراحم تعبیر می‌شود، عقل حکم می‌کند که مهم را فدای اهم کند؛ یعنی وظیفه‌ای را انجام دهد که اهمیت بیشتری دارد و وظیفه دیگر را ترک کند. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر به شرح ذیل است: تقریباً با مدیریت و تدبیر صحیح و درست، تمام تکالیف متراحم، قابل جمع هستند که در این صورت تراحم جریان نخواهد داشت. برای مثال از جمله تدابیر پیشگیرانه از جریان تراحم با حق استمتاع زوج، تفاهم زوجین بر اشتغال زوجه در ضمن عقد نکاح است. در بیان راهکارهای خروج از تراحم میان اشتغال و تکالیف زوجه، نمی‌توان نسخه واحدی را برای همه زنان پیچید. برای تشخیص اهم و تعیین ملاک آن در جمع میان تکالیف و اشتغال زوجه، لازم است به تفاوت‌های فردی بانوان مثل توانمندی جسمی و روحی زوجه، تفاوت‌های خانوادگی زنان مانند باورها و اعتقادات حاکم بر نظام فکری زوج درباره نوع و حکم تکلیفی زوجه و همچنین تفاوت‌های اجتماعی زنان همچون میزان کارآمدی و اثربخشی شغل آن‌ها توجه شود.

از دیگر نتایج به دست آمده از تحلیل گونه‌های تراحم میان اشتغال و تکالیف زوجه، این است که دایره ارزشمندی و برتری شغل مستحب و جواز شغل مباح زوجه را تا جایی وسعت می دهد که موجب ترک تکالیف واجب نقش همسری نشود اما اگر پرداختن به این مشاغل، منجر به ترک تکالیف واجب زن در قبال همسرش شود، آن شغل فاقد ارزش الهی خواهد بود.

منابع

قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۱۳ ق). *کفایه الأصول*. قم: مؤسسه آل البيت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اسماعیلی فلاح، مرضیه؛ شاکری گلپایگانی، طوبی؛ و غروی نایینی، نهمه (۱۴۰۱). چالش های انگاره مطلق بودن تمکین زوجه: موردکاوی تمکین زنان شاغل از منظر فقه امامیه. *دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول* ۲۶۵-۲۳۸، ص ۲۵، (۲).
- اصولی، احسان؛ بنی هاشمی خمینی، محمدحسن (۱۳۸۳). *رساله توضیح المسائل* مراجع. قم: اسلام.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ ق). *المکاسب*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: آل البيت.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۹). *استفتائات امام خمینی (ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهه*. نجف: المطبعة الحیدریه.
- روحانی، محمد صادق (۱۳۷۲). *فقه الصادق ۸*. قم: دار الکتاب.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۳۴ ق). *المبسوط فی اصول الفقه*. قم: مؤسسه امام صادق.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۷ ق). *تهذیب الأصول*. بیروت: مؤسسه المنار.
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طباطبائی کربلائی، علی بن محمدعلی (۱۴۱۸ ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالادلة*. قم: مؤسسه آل البيت.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۳۹۰). *الفروق فی اللغة*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا). *تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*. مشهد: مؤسسه آل البيت.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه پدیده های نوپیدا*. قم: اشراق حکمت.

- غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۳۷۹). *البحوث فی الفقه*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- قنبرپور، بهنام (۱۴۰۰ ش). شرط تعدیل تمکین زوجه شاغل از زوج در فقه امامیه. *مبانی فقهی حقوق اسلامی* (پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی)، ۱۴ (۲۷)، ص ۱۷۵-۱۹۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۵ ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. تهران: المکتب الإسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. تهران: استقلال.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۲۹ ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مؤسسه آل البيت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ق). *کتاب النکاح*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- میرسلیم، مصطفی (۱۳۷۵). *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- ناظمی هرندی، حمیدرضا؛ نصیران، داود؛ مهدوی، سیدمحمد هادی (۱۴۰۲ ش). حق اشتغال زوجه و چگونگی تزامم آن با حق تمکین زوج در متون تاریخی فقهی «نرم افزار گنجینه آرای فقهی - قضایی، دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی معاونت آموزش قوه قضائیه، سؤال ۵۷۶۰.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷). *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*. تهران: نی.
- یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (۱۴۲۰ ق). *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.